

The Effect of Training Parents and Children for Proper Communication Techniques on their Conflict among Female Secondary School Students of Ilam

تأثیر آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح با والدین و فرزندان بر میزان تعارض بین آنها در دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه شهر ایلام

میرحمزه کرمی*

دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه پیام نور واحد تهران، ایران

حسین زارع

عضو هیأت علمی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

Mirhamzeh Karami. Ph.D student

Candidate of Educational Planning, University of payamenoor, Tehran, Iran

Hossein Zare'. Ph.D.

Academic member, Payame Noor University, Tehran, Iran

Abstract

The present study aimed at investigating the effect of training parents and children for proper communication techniques on the magnitude of parent-child conflict. The research was a semi experimental, pretest- posttest with control group. The population composed of all girls in secondary schools of Ilam in 1392 among whom 180 students were selected by simple random sampling and the Conflict Behavior Questionnaire CBQ (Prinz, 1979) was administered to them. Then 48 students who had higher conflict scores with their parents were selected and assigned to the two experimental and control groups based on simple random sampling. Then, the experimental group was separately divided into triple groups (father, mother, and the student herself) and the control group (12 subjects) was assigned for all three groups (12 subjects). Each group participated in a 8-session training course. In the end, the post-test of the same Conflict Behavior Questionnaire CBQ (Prinz, 1979) was administered to both groups. The data were analyzed by covariance statistical analysis test and the findings showed that teaching proper communication techniques to parents and children, to a great extent, is influential in decreasing the intensity of conflict between parents and children. Also, there was a significant difference between the mean of the post-test scores of experimental and control groups implying that in the experimental groups the conflict has decreased considerably. ($P < 0.001$)

Keywords: training proper communication techniques, conflict, Ilam high school female Students

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح والدین و فرزندان بر میزان تعارض بین آنها بود. طرح پژوهش نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه گواه است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر ایلام در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ تشکیل می‌دادند که از میان آنها ۱۸۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب، و پرسشنامه تعارض نوجوان (پرینز، ۱۹۷۹) برای آنها (دختران نوجوان) اجرا گردید. تعداد ۴۸ نفر از آنها که نمرات تعارض بالا با والدین خود داشتند، انتخاب و به صورت تصادفی ساده در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. گروه آزمایش به سه گروه جداگانه ۱۲ نفره (پدران، مادران و خود فرزندان یا دانش‌آموزان) و یک گروه ۱۲ نفره، به‌عنوان گروه گواه برای هر سه گروه آزمایش تعیین شدند. هر کدام در ۸ جلسه آموزشی شیوه برقراری ارتباط صحیح شرکت کردند. در پایان پس‌آزمون (شامل پرسشنامه تعارض نوجوان CBQ (پرینز، ۱۹۷۹) روی گروههای آزمایش و گواه اجرا گردید. داده‌ها با استفاده از آزمون آماری تحلیل کوواریانس تحلیل شدند و یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح به والدین و فرزندان آنها، تا حدود بسیار زیادی بر میزان کاهش و رفع تعارض میان آنها مؤثر است. بین میانگین نمره‌های پس‌آزمون گروههای آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود داشت و این بدان معنی است که در گروههای آزمایش، به علت تأثیر آموزش تعارض بسیار کمتر شده است. ($P < 0.001$).
واژه‌های کلیدی: آموزش شیوه برقراری ارتباط صحیح، تعارض، دانش‌آموزان دختر متوسطه ایلام.

مقدمه

۱۲-۱۳ سالگی و در پسران از ۱۵-۱۴ سالگی شروع و تا ۱۶-۱۸ سالگی ادامه دارد. بارزترین نشانه بلوغ، رشد بدنی و پیدایش میل جنسی است که در دختران زودتر از پسران ظاهر می‌گردد. ظهور این میل بر رفتار نوجوان تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که نوجوان نسبت به خود و اطرافیان، نگاه تازه‌ای پیدا کند و در برخی مواقع دچار تعارض با آنها گردد (رنگاسامای و همکاران^۱، ۲۰۱۳). گودرزی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای سن پدید آمدن تضادها و تعارضات دختران با والدین را ۱۲ تا ۱۸ سالگی دانسته، و معتقد است اگر این تضادها حل نشود، تا سنین بزرگسالی ادامه می‌یابد و این افراد بعد از ازدواج با فرزندان خود نیز مشکل خواهند داشت.

یکی دیگر از مشکلات نوجوانی و جوانی، مشکل مناسبات و روابط آنان با والدین و همسالان است (باردی و بورگوگینی^۲، ۲۰۰۱). نوجوانان از والدین خود، شکایت‌های مختلفی دارند. سبک اعمال قدرت، نظارت همه‌جانبه، خودداری از به حساب آوردن دیدگاه‌های نوجوانان، در دسترس نبودن والدین، وضع قانون در لحظه، انتظارات غیرواقعی، نپذیرفتن انتقاد و پیشداوری در مورد نوجوانان، موضوعاتی هستند که از نظر نوجوان باعث تعارض وی و والدینش می‌شوند (اویسی و همکاران، ۲۰۱۰). اگر والدین و مربیان با اصول و روش‌های صحیح برخورد با نوجوان آشنایی نداشته باشند، باعث تعارض و درگیری بین آنها می‌گردند و نیروی نوجوان که باید در جهت سازندگی جامعه به کار بگیرد، به‌عنوان نیروی مخرب علیه جامعه مبدل می‌شود. تعارض بین والدین و نوجوان یکی از عوامل مؤثری است که نوجوان را به‌سوی دوستی با همسالان منحرف سوق می‌دهد. برای حل تعارض و بهبود روابط بین والدین و نوجوانان، نیاز به اقدامات پیشگیرانه و برنامه‌مداخله‌ای است که به‌طور مؤثر به خانواده‌ها و والدین و نوجوانان برای بهبود رابطه و کاهش مشکلات سازگاری کمک کند (بوهلر^۳، ۲۰۰۶).

در دوره نوجوانی نوعی تضاد و تعارض در بین نوجوانان به‌خصوص نوجوانان دختر و والدین آنها به‌وجود می‌آید. اگر این تعارضات به شکل صحیحی حل نشود، ممکن است فاصله و گسست‌هایی ایجاد کند که هر روز بر عمق آن افزوده شود و آثار جبران‌ناپذیری برای این دختران به‌وجود آورد. دخترانی که با والدین تضاد و تعارض دارند، بعد از ازدواج با فرزندان خود نیز مشکل خواهند داشت. یعنی همان ضرب‌المثل «تنبیه‌شده،

تعارض و تضادهای اجتماعی اساسی‌ترین جنبه زندگی انسان‌هاست. این تعارضات در اشکال گوناگون در میان جامعه و از جمله در خانواده دیده می‌شود. امروزه نوجوانان در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که به‌تدریج تفاوت زندگی میان آنها و والدینشان در سبک زندگی به شکل تعارض‌گونه‌ای تبدیل و تجربه می‌شود (یو و اسمتانا^۴، ۲۰۰۳). ناهماهنگی میان والدین و فرزندان بزرگترین مشکل در روابط انسان‌هاست (پیزورنو، بنوزو، فینا، ساباتو و اسکوپسی^۵، ۲۰۱۴). فرهادیان (۱۳۷۷) بر این عقیده است که مشکل عمده اغلب افراد جوامع این است که از مهارت‌های ارتباطی سالم بی‌بهره‌اند. علی‌رغم اینکه اعضای خانواده در جامعه، غالباً انسان‌های مؤمن، متدین و وفادار به یکدیگر هستند، ولی متأسفانه در ایجاد ارتباط سالم و شاد با هم به‌خصوص از زمانی که صاحب فرزند می‌شوند، ناتوان هستند. از مسائل و مشکلاتی که در دهه‌های اخیر در کشور ایران پدید آمده، تحولات فرهنگی و اجتماعی است که باعث گردیده در سبک زندگی خانواده‌های ایرانی، تغییرات و تحولات زیادی به‌وجود آید و این تحولات باعث تعارضات و تضادهایی بین فرزندان و اولیای آنان شده است. مهمترین مسأله‌ای که امروزه خانواده‌ها با آن روبه‌رو هستند، دگرگونی سریع هنجارها و ارزش‌های خانوادگی میان فرزندان و والدین است. تا جایی که این نابهنجاری‌ها مبدل به دوگانگی ارزش‌ها و در اغلب موارد طغیان نوجوانان علیه ارزش‌ها و سنت‌ها و دیگر اصول اعتقادی خانواده شده است. تعارض یکی از جنبه‌های مهم در روابط اجتماعی انسان‌هاست. تعارض صورتی از کنش متقابل اجتماعی است. هر فردی عنصری از تعارض را در خود دارد و درگیر شدن عضوی از اجتماع در خصومت تقریباً اجتناب‌ناپذیر است. تعارض نشانه یک مخالفت و خصومت است. تعارض هنگامی ظاهر می‌شود که افراد یا گروه‌ها اعمالی را انجام دهند یا به گونه‌ای رفتار کنند که برای دیگران قابل تحمل نباشد و یا به نوعی رویارویی محسوب شود (بویجزن و والکنبورگ^۶، ۲۰۰۳). بیشترین اختلاف‌های والدین و فرزندان در دوره نوجوانی فرزند پیش می‌آید. ورود به دوره نوجوانی علاوه بر خانواده، فرد را با مشکلات فراوانی دست به‌گریبان می‌کند. دوره نوجوانی یک دوره حساس و پرتنهاب است و در اغلب موارد با دوره بلوغ یکسان قلمداد می‌شود. دوران بلوغ معمولاً در دختران از سن

1. Yao & Smetana
3. Buijzen & Valkenburg
5. Bardi & Borgognini-Tarli

2. Pizzorno, Benozzo, Fina, Sabato, Scopesi
4. Rengasamy et al
6. Buehler

پژوهش تأثیر آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح به والدین و فرزندان بر میزان تعارض بین آنها و دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه شهر ایلام است.

بر این اساس، فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر تدوین گردیده‌اند:

- ۱- آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح برای مادران بر میزان تعارض بین مادران و فرزندان تأثیر دارد.
- ۲- آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح برای پدران بر میزان تعارض بین پدران و فرزندان تأثیر دارد.
- ۳- آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح برای فرزندان بر میزان تعارض بین اولیا و فرزندان تأثیر دارد.

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه

طرح این پژوهش نیمه‌آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را همه دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر ایلام تشکیل می‌دادند که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ به تحصیل اشتغال داشتند. روش نمونه‌گیری آن به صورت تصادفی ساده انجام گرفت، بدین صورت که ابتدا از بین دبیرستان‌ها و هنرستان‌های فنی به صورت تصادفی ساده دو دبیرستان و یک هنرستان انتخاب و از بین آنها به‌طور تصادفی ۷ کلاس شامل ۱۸۰ دانش‌آموز دختر به‌عنوان نمونه اولیه آماری پژوهش انتخاب شدند. در مرحله بعد، نمونه اولیه با استفاده از پرسشنامه استاندارد شده تعارض اولیا و نوجوانان (CBQ) (پرینز، ۱۹۷۹) غربالگری شد و پس از تصحیح و نمره‌گذاری تعداد ۴۸ نفر از آنها که بیشترین نمره تعارض را داشتند، انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. بدین صورت این آزمون، هم به‌عنوان آزمون غربالگری، و هم به‌عنوان پس‌آزمون مورد استفاده قرار گرفت. لازم به یادآوری است که افراد مورد آزمایش این پژوهش در سه گروه مساوی ۱۲ نفره شامل پدران، مادران و گروه دانش‌آموزان قرار گرفتند. و یک گروه ۱۲ نفره دیگر به‌عنوان گروه گواه برای هر سه گروه آزمایش انتخاب شدند تا هر کدام در ۸ جلسه آموزشی به صورت جداگانه شرکت کنند.

ابزار سنجش

پرسشنامه تعارض نوجوان با والدین^۵ (CBQ): این پرسشنامه را پرینز (۱۹۷۹) ساخته است که نسخه اصلی آن ۷۵ گویه دارد و ادراک نوجوان از میزان تعارض و رابطه منفی با والدین او را

تنبیه‌گر می‌شود» بر آنان صادق است. مادران افسرده فرزندان افسرده و مادران دارای اختلالات روحی - روانی، فرزندان با چنین مشکلاتی تربیت خواهند کرد. به نظر می‌رسد که برای تضمین بهداشت روانی و کسب هویت و استقلال، سالم‌ترین راه این است که روابط نوجوانان با والدین، دایمی و صمیمی باشد (دیلی^۱، ۲۰۱۱). نتایج پژوهش استینبرگ و همکاران^۲ (۱۹۹۲) گویای آن است که بین روش والدینی آزادمنشانه و شاخص‌های مهم آکادمیک دستیابی به اهداف و نمرات دانش‌آموزان، همبستگی بسیار بالایی وجود دارد. وجود تعارض در رابطه والدین با فرزند موجب بر هم خوردن نظم خانواده می‌شود و سطوح عملکردی فرزند را به شدت پایین می‌آورد. بارون و یوست^۳ (۱۹۹۴) در مطالعه خود نشان داده‌اند که ۳۸ درصد نوجوانان روابط با والدین را پر از تنش می‌دانند. پژوهش اولسون^۴ (۱۹۸۵) مشخص کرد که خانواده‌هایی که در آنها ارتباط نوجوانان و والدین خوب است، به‌طور کلی از کیفیت زندگی خود راضی بودند. همچنین نتایج پژوهش آشوری نیز نشان داد که والدین دموکرات، در مسائل مختلف، تعارض کمتری با فرزندان داشته و عزت نفس فرزندان آنان به میزان چشمگیری بالا بوده است. نتایج پژوهش معیدفر و صبوری خسروشاهی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که میان فرزندان و والدین تعارض وجود دارد، ولی این تعارضات زیاد نیست، چون ۶۱ درصد از پاسخگویان، تعارض نداشتن و همسو بودن با والدین را ابزار کرده‌اند و ۵/۲۳ درصد در حد زیاد با والدین خود تعارض داشته‌اند. بالاترین مقدار تعارض والدین با فرزندان به ترتیب در دوستی دختر با پسر، سیگار کشیدن و مصرف مشروبات الکلی بوده و کمترین به ترتیب در نماز خواندن، معاشرت با دوستان همجنس و توجه به بهداشت شخصی و گوش کردن به موسیقی دلخواه بوده است. نتایج پژوهش (رمضانی و بشری، ۱۳۹۲) نشان می‌دهد که پدران بیشتر با فرزندان پسر تعارض داشتند، اما تعارض بین والدین و فرزندان برحسب تحصیلات و شغل والدین تفاوت معنی‌داری نداشت. یکی از عوامل تأثیرگذار بر کاهش یا رفع تعارض، آموزش است. آموزش ابزاری برای یادگیری است، یادگیری فعالیتی است که فراگیر مسئول آن است. آموزش در مقایسه با یادگیری بعد بیرونی دارد، در حالی که یادگیری جنبه درونی دارد (زارع، ۱۳۸۸).

با توجه به اهمیت میزان کاهش تعارض بین والدین و نوجوانان و با توجه به پیشینه پژوهشی که گفته شد، هدف این

1. DeLay
3. Barron & Yoest
5. Conflict Behavior Questionnaire

2. Steinberg
4. Olson

پس‌آزمون مورد سنجش قرار گرفتند. برای هر یک از گروه‌های آزمایشی سه‌گانه (پدران، مادران و خود فرزندان)، بسته‌های آموزشی در ۸ جلسه آموزشی یک‌و نیم ساعته برگزار گردید. بسته آموزشی مورد نظر شامل مواد و بخش‌های زیر است: گروه دیگری از نوجوانان گواه در این خصوص آموزشی ندیدند و به‌عنوان گروه گواه و به دور از آزمایش منتظر ماندند.

الف) مواد و مطالب آموزشی برای گروه پدران و مادران آزمایش: برای گروه پدران و مادران آزمایش به‌صورت مجزا و هرکدام متناسب با موقعیت و وظایف آنها این موارد مطرح گردید، جلسه اول، ویژگی‌های دوران بلوغ و تحولات ناشی از این دوران. جلسه دوم، آشنایی با نیازهای نوجوانان و تلاش به‌منظور برطرف کردن آنها و توجه به آثار سوء دوستان ناباب و مواد مخدر. جلسه سوم، آیین همسر داری و وظایف متقابل زوج‌ها و چگونگی ارتباط صحیح والدین با فرزندان. جلسه چهارم، چگونگی نظارت بر رفتار و اعمال فرزندان و اینکه چگونه بتوانند فرزندان خود را از مسائل و مشکلات دنیای امروزی نجات دهند؟ جلسه پنجم، وظایف والدین در قبال فرزندان و اینکه چگونه والدین تکیه‌گاه قوی برای فرزندان خود باشند. جلسه ششم، آموزش مهارت‌های زندگی مثل مهارت برقراری ارتباط، مهارت نه گفتن، مهارت تقویت اعتماد به‌نفس فرزندان، مهارت حل مسأله و مهارت گوش دادن. جلسه هفتم، تأثیر اختلافات میان زن و شوهر بر روی فرزندان و رازهایی درباره زنان و مردان. جلسه هشتم، هشدارهای تربیتی و راز شاد زیستن در کانون خانواده و معرفی الگوهای ناب مذهبی مثل حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س).

ب) مطالب آموزشی برای گروه فرزندان: جلسه اول، چگونگی برقراری ارتباط با والدین، والدین بهترین تکیه‌گاه برای فرزندان. جلسه دوم، مهارت‌های زندگی مثل مهارت نه گفتن در مواقع لزوم، مهارت حل مسأله، مهارت تصمیم‌گیری و مهارت اعتماد به نفس. جلسه سوم، وظایف فرزندان در قبال والدین و نحوه صحیح برخورد آنها با پدر و مادر. جلسه چهارم، هشدارهای تربیتی و راز چگونگی موفقیت در برقراری ارتباطات اجتماعی. جلسه پنجم، ویژگی‌های دوران بلوغ و سخنی با دختران جوان و تأثیر آثار سوء دوستان ناباب. جلسه ششم، ارائه الگوهای ناب و چگونگی جلوگیری از ازدواج‌های ناموفق. جلسه هفتم، تحلیلی بر روابط بین پسر و دختر و علت اختلاف فرزندان با والدین و راههای برطرف کردن آن. جلسه هشتم، احترام به پدر و مادر و مریبان و چگونگی جلوگیری از رفتارهای نابهنجار و آثار سوء مواد مخدر و غیره. در پایان داده‌ها از طریق آزمون تحلیل کواریانس و با استفاده از نرم‌افزار SPSS16 تحلیل گردید.

مورد سنجش قرار می‌داد. در این پژوهش از نسخه کوتاه آن که ۲۰ سؤال دارد استفاده شده است. در این پژوهش از این پرسشنامه هم به‌منظور غربالگری و هم به‌عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شده است. این پرسشنامه دارای دو شکل جداگانه، یکی در مورد چگونگی ارتباط با مادر، و دیگری مخصوص ارتباط با پدر است و آزمودنی‌ها (دختران نوجوان) باید هر دو پرسشنامه را پر کنند و چون هر سؤال دو گزینه صحیح و غلط دارد، با انتخاب یکی از پاسخ‌های صحیح یا غلط، موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از عبارات مشخص سازند. نمره بالاتر میزان تعارض بیشتر میان نوجوان و والدین را نشان می‌دهد. در شکل بلند این پرسشنامه همسانی درونی ۰/۹۴ و ۰/۹۵ به ترتیب برای گزارش نوجوان و پرسشنامه والدین گزارش شد که بسیار ایده‌آل است. پرسشنامه کوتاه یک نمره به‌دست می‌دهد که همبستگی ۰/۹۶ را با نمرات پرسشنامه بلند دارد. همچنین در پژوهش پرینز، فاستر، کنت و آلری (۱۹۷۹) میزان پایایی بازآزمون از ۰/۵۷ تا ۰/۸۲ برای پرسشنامه والدین و ۰/۳۷ تا ۰/۸۴ برای پرسشنامه نوجوان به‌دست آمد. شواهد اعتبار برآمده از مطالعات نشان می‌دهد که خانواده‌های دچار استرس نمرات معناداری بالاتری را نسبت به خانواده‌هایی که درگیر استرس نیستند، گزارش می‌کنند (رابین و فاستر، ۱۹۸۹). در این پژوهش و با استفاده از معادله آماری پایایی پژوهش ۰/۸۸ به‌دست آمد. نمونه‌ای از پرسش‌های پرسشنامه بدین شرح است ۱- پدرم مرا درک می‌کند؛ درست / نادرست. ۲- از بودن با مادرم لذت می‌برم؛ درست / نادرست. ۳- اگر مشکلی برآیم پیش بیاید، مادرم به من کمک می‌کند، درست / نادرست.

روش اجرا و تحلیل داده‌ها: پس از انتخاب نمونه با هماهنگی با یکی از مدارس، کلاسی برای برگزاری جلسات برگزیده شد. سپس برنامه شرکت در جلسات به‌صورت جداگانه برای افراد نمونه (گروه‌های آزمایشی)، گروه پدران، گروه مادران و گروه فرزندان تنظیم شد و از آنها برای شرکت در جلسات دعوت به عمل آمد (لازم به یادآوری است منظور از گروه پدران و گروه مادران، اولیای فرزندان هستند که بیشترین تعارض را با فرزندان خود داشته‌اند و مورد آموزش قرار گرفته‌اند و فرزندان آنها در این پژوهش آزمودنی‌های ما را تشکیل داده‌اند. در نهایت گروه‌های آزمایشی پس از پایان جلسات، جلسه‌ای با حضور اعضای گروه گواه داشتند و به‌منظور رعایت اخلاق پژوهشی به پرسش‌های آنها در خصوص پژوهش مورد نظر، پاسخ‌های مقتضی ارائه گردید. پس از اجرای هشت جلسه آموزشی به‌صورت جداگانه برای پدران، مادران و دختران نوجوان (جمعاً ۲۴ جلسه) گروه‌های آزمایش و گواه با استفاده از

یافته‌ها

اطلاعات حاصل از جدول ۱ میانگین‌های پس‌آزمون تعدیل‌شده آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح به‌منظور رفع یا کاهش تعارض میان والدین و فرزندان را نشان می‌دهد. به نحوی که میانگین‌های تعارض در پس‌آزمون تعدیل‌شده در خصوص تعارض با مادر (در آموزش به فرزند ۱/۵، در آموزش با مادر ۱/۲۲، و در آموزش به پدر ۴/۸) بوده است. در حالی که در گروه گواه ۱۱/۸۳ است. و در خصوص تعارض با پدر، (در آموزش به فرزند ۱/۷۸، در آموزش با مادر ۱/۴، و در آموزش به پدر ۷/۷۳) است. درحالی که در گروه گواه ۱۲/۵۱ بوده است.

اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد. میانگین تعارض فرزند با مادر در پیش‌آزمون (قبل از آموزش به مادر) ۱۴/۲۵، و انحراف معیار آن ۲/۳۴، و در تعارض فرزند با پدر به ترتیب ۱۶/۸۳ و ۲/۵۲ و همچنین در گروه گواه ۱۲/۳۸ و ۶/۹۱ بوده، در حالی که در میانگین تعدیل‌شده (پس‌آزمون)، تعارض با مادر ۱/۲۲ و انحراف معیار آن ۳/۵۹ و در تعارض با پدر به ترتیب ۱/۴ و ۲/۹۱ است. ولی در گروه گواه ۱۱/۸۳، ۶/۲۴ بوده است. همچنین در میانگین تعدیل‌شده (قبل از آموزش به پدر) این اعداد به ترتیب تعارض با مادر ۴/۸ و انحراف معیار آن ۳/۵۹ و در تعارض با پدر به ترتیب ۷/۷۳ و ۲/۹۱ است. ولی در گروه گواه ۱۲/۵۱ و ۶/۲۴ بوده است.

براساس نتایج تحلیل کواریانس که از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری این پژوهش حاصل شده است، آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح والدین با فرزندان تا حدود بسیار زیادی در کاهش میزان تعارض میان فرزندان نوجوان با والدین آنها تأثیر داشته است. به نحوی که در فرضیه اول آموزش بر روی مادران و در فرضیه دوم بر روی پدران و در فرضیه سوم بر روی خود فرزندان نوجوان مؤثر واقع شده است و باعث گردید این تعارض به‌طور چشمگیری تقلیل یابد. بنابراین هر ۳ فرضیه پژوهش تأیید گردیده‌اند و سطح معناداری پیش‌آزمون و پس‌آزمون در نتایج فرضیات کاملاً مشخص است ($P=0/001$).

جدول ۱ میانگین‌های تعدیل‌شده پس‌آزمون به تفکیک چهار گروه

گروه	میانگین تعدیل‌شده	
	تعارض با مادر	تعارض با پدر
آموزش به فرزند	۱/۵	۱/۷۸
آموزش به مادر	۱/۲۲	۱/۴
آموزش به پدر	۴/۸	۷/۷۳
گواه	۱۱/۸۳	۱۲/۵۱

جدول ۲- میانگین‌های تعدیل‌شده و انحراف معیار نمرات آزمودنی‌ها در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون (تأثیر آموزش مادران و پدران بر میزان تعارض آنها با فرزندان)

پیش‌آزمون	میانگین	تعارض با مادر		تعارض با پدر		گروه گواه
		از ۲۰	از ۲۰	از ۲۰	از ۲۰	
پیش‌آزمون	میانگین	۱۴/۲۵	۱۶/۸۳	۱۲/۳۸		
پس‌آزمون (تأثیر آموزش بر مادر)	انحراف معیار	۲/۳۴	۲/۵۲	۶/۹۱		
پس‌آزمون (تأثیر آموزش بر پدر)	میانگین تعدیل‌شده	۱/۲۲	۱/۴	۱۱/۸۳		
	انحراف معیار	۳/۵۹	۲/۹۱	۶/۲۴		
	میانگین تعدیل‌شده	۴/۸	۷/۷۳	۱۲/۵۱		
	انحراف معیار	۳/۵۹	۲/۹۱	۶/۲۴		

جدول ۳- تأثیر آموزش برای مادران بر میزان تعارض بین مادران و فرزندان (تحلیل کواریانس)

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	میزان تأثیر	توان آزمون
۳۰۹/۸۲۲	۱	۳۰۹/۸۲۲	۳۲/۵۵۷	۰/۰۰۱	۰/۹۰	۱
۵۱۹/۷۵۵	۱	۵۱۹/۷۵۵	۵۴/۳۰۱		۰/۷۲	۱

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، تأثیر آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح برای مادران به‌منظور کاهش میزان تعارض بین آنها و فرزندان دختر نوجوان خود به‌طور معناداری مشهود است ($P=0/001$). این بدان معناست که اثر آموزش بر گروه‌های آزمایشی نسبت به گروه گواه بیشتر بوده، بنابراین آموزش بر میزان کاهش یا رفع تعارض میان مادران و فرزندان دختر آنان تأثیرگذار بوده است. از این‌رو فرضیه اول این پژوهش تأیید گردید.

اطلاعات حاصل از جدول ۴ نشان می‌دهد که آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح برای پدران به‌طور معناداری بر میزان کاهش تعارض بین پدران و فرزندان آنها تأثیر داشته است. که نتایج آن در تأثیر پیش‌آزمون و پس‌آزمون کاملاً مشهود است. بنابراین فرضیه دوم پژوهش، تأیید می‌گردد.

۲ مشخص گردید که میانگین میزان تعارض پدران با فرزندان خود در پیش‌آزمون ۱۶/۸۳ بوده، ولی در میانگین تعدیل‌شده پس‌آزمون، این مقدار به ۷/۷۳ کاهش یافته است. در حالی که در گروه گواه تغییر زیادی مشاهده نشده است.

نتایج حاصل از جدول ۵ نشان می‌دهد، میانگین تعارض فرزند با مادر در پیش‌آزمون (قبل از آموزش به فرزند) ۱۱ و انحراف معیار آن ۳/۳۸ و در تعارض فرزند با پدر به‌ترتیب ۱۲/۹۲ و ۴/۸۰ و همچنین در گروه گواه ۱۲/۳۸ و ۶/۹۱ بوده است. در حالی که در میانگین تعدیل‌شده (پس‌آزمون)، تعارض فرزند با مادر ۱/۵ و انحراف معیار آن ۲/۱۹ و در تعارض با پدر به ترتیب ۱/۷۸ و ۲/۷۱ بود. ولی در گروه گواه ۱۱/۸۳ و ۶/۲۴ بوده است.

جدول ۴- تأثیر آموزش برای پدران بر میزان تعارض بین پدران و فرزندان (نتایج تحلیل کوواریانس)

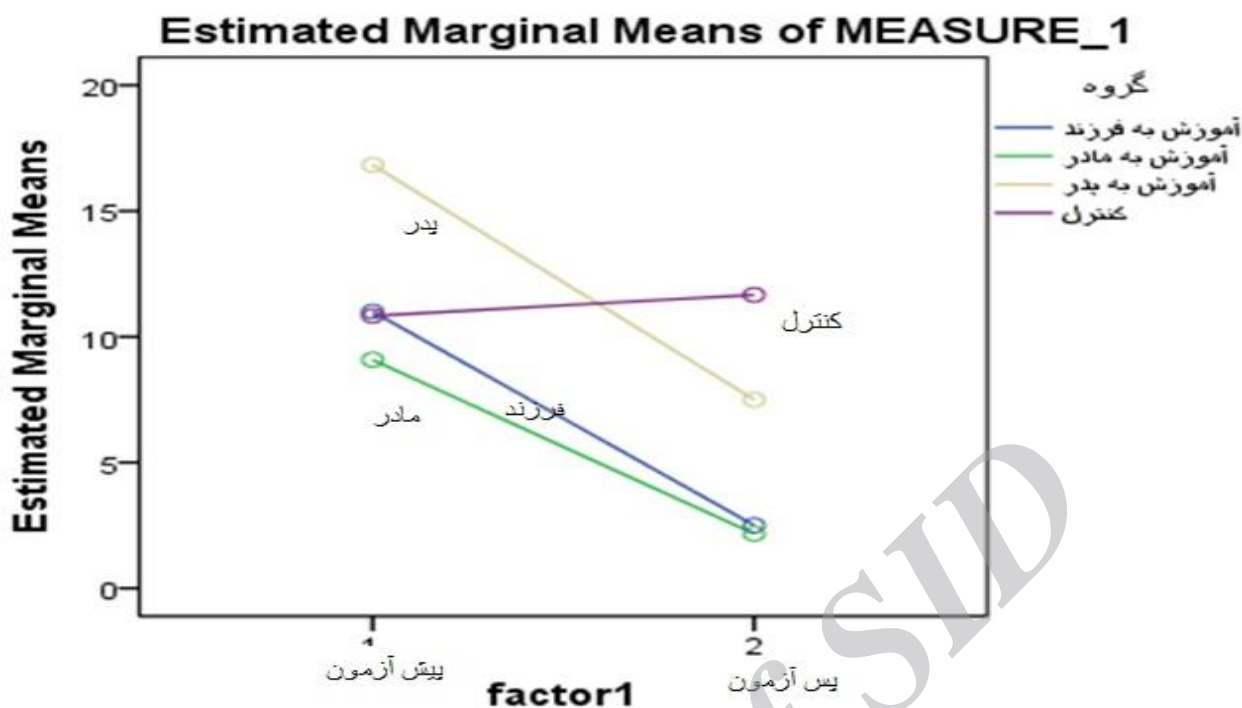
توان آزمون	میزان تأثیر	سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۹۹	۰/۵۰		۲۱/۱۳۵	۲۷۱/۰۳۰	۱	۲۷۱/۰۳۰	اثر پیش‌آزمون
۱	۰/۹۲	۰/۰۰۱	۳۴/۲۷۱	۴۳۹/۴۹۶	۱	۴۳۹/۴۹۶	اثر گروه‌های آزمایشی

جدول ۵- میانگین‌های تعدیل‌شده و انحراف معیار نمرات آزمودنی‌ها در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون (تأثیر آموزش فرزندان بر میزان تعارض آنها با والدین)

گروه گواه	تعارض با پدر	تعارض با مادر	میانگین	انحراف معیار
پیش‌آزمون	۱۲/۳۸	۱۱	۱۲/۹۲	۳/۳۸
پس‌آزمون	۶/۹۱	۱/۵	۱/۷۸	۲/۱۹

جدول ۶- تأثیر آموزش برای فرزندان بر میزان تعارض بین اولیا و فرزندان (تحلیل کوواریانس)

توان آزمون	میزان تأثیر	سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۹۹۵	۰/۴۰۱		۲۲/۰۵۱	۲۳۴/۹۲۳	۱	۲۳۴/۹۲۳	اثر پیش‌آزمون
۱	۰/۶۳۸	۰/۰۰۱	۵۸/۲۱۴	۶۲۰/۱۹۹	۱	۶۲۰/۱۹۹	اثر گروه‌های آزمایشی



نمودار ۱- مقایسه میزان تعارض ناشی از آموزش به سه گروه پدران، مادران و دانش‌آموزان در گروه‌های آزمایش و گواه

داد که آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح باعث کاهش میزان تعارض میان فرزندان به‌ویژه دختران با والدین می‌شود. بنابراین میانگین میزان تعارض میان مادران و فرزندان خود که در پیش‌آزمون ۱۴/۲۵ نمره از ۲۰ نمره بود، ولی بر اثر آموزش در پس‌آزمون به ۱/۲۵ نمره کاهش یافته است. و برای گروه پدران این میزان تعارض از ۱۶/۸۳ به ۷/۷۳ نمره تقلیل یافته، این تأثیر برای گروه آزمایشی فرزندان نوجوان نیز کاملاً مشهود است. به‌طوری که در پیش‌آزمون حدود ۱۲ نمره بوده، در پس‌آزمون به حدود ۱/۵ نمره کاهش پیدا کرده است. ولی در گروه گواه تغییر محسوسی حاصل نشده است. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های سلامی، حسین‌پور و عطاری (۱۳۸۹)، برانج، ون دورن، ون در والک و موئس^۱ (۲۰۰۹)، همسو بوده است و فرضیه‌های پژوهش همگی تأیید شدند، (پیروزنو و همکاران، ۲۰۱۴) همسو می‌باشد.

از تجزیه و تحلیل اطلاعات داده‌ها و جدول‌های این پژوهش استنباط می‌شود که بیشتر فرزندان که تعارض شدید با والدین خود داشته‌اند، تحصیلات والدین آنها در حد پایینی بوده است. همچنین شغل اغلب پدرانشان در رده‌های پایین مثل کارگر ساده بود و یا خیلی از آنها بیکار بوده‌اند. وضعیت اقتصادی خانواده‌ها نیز در حد متوسط و ضعیف بوده است.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل جدول ۶ گویای این واقعیت است که آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح برای فرزندان تا حدود زیادی بر کاهش تعارض آنها با والدین آنان تأثیر داشته است. به‌طوری که این تغییر در گروه‌های آزمایشی بیشتر بوده و معناداری اثر آموزش مشهود شده است. از این رو فرضیه سوم پژوهش نیز تأیید می‌گردد ($P=0/001$).

نمودار ۱ نشان می‌دهد که آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح در مورد هر سه گروه آزمایشی (پدران، مادران و فرزندان) تأثیر بسزایی دارد. از نتایج حاصل از آموزش بر روی گروه‌های آزمایشی، در مقایسه با گروه گواه نتیجه می‌گیریم که آموزش به مادران نسبت به دو گروه دیگر تأثیرگذاری بیشتری داشته و گویای این ادعا است که آموزش به مادران تا حدود بسیار زیادی بر میزان کاهش تعارض بین اولیا و فرزندان مؤثر است. بنابراین می‌توان گفت که نتایج این پژوهش نشان‌دهنده تأثیر معنادار متغیر مستقل بر متغیر وابسته است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش که با هدف ارزیابی تأثیر آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح والدین و فرزندان بر میزان تعارض میان آنها بر روی دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه انجام شده است، نتایج حاصل از آمار توصیفی و تحلیل کواریانس نشان

نتیجه بسیار مهمی که در این پژوهش حاصل گردیده، نقش آموزش و آگاهی دادن به اولیا و فرزندان به منظور رفع، یا کاهش تعارض میان آنها بوده و حتی می‌توان گفت این قبیل آموزش‌ها، معجزه‌آسا است. نقش آموزش به مادران نیز از اهمیت و اثرگذاری بالایی برخوردار بوده است.

برای حل تعارض والدین و نوجوانان روش‌های متعددی به کار گرفته شده است از جمله: حل مسأله یا مسأله‌گشایی، مذاکره و یا به عبارت بهتر به کارگیری مهارت‌های گفت‌وگو برای رسیدن به توافق. یکی از راههایی که به نظر می‌رسد بیشترین تأثیر را بر میزان کاهش تعارض والد - فرزند داشته باشد، آموزش مهارت‌های ارتباطی به عنوان شیوه‌ای برای حل تعارض و بیان خشم ناشی از وجود اختلافات و در نتیجه مدیریت آن است (ابوئی مهریزی، طهماسبیان و خوش‌کنش، ۱۳۸۹). که نتایج پژوهش موافق با دیدگاههای این افراد است.

بسته آموزشی شامل آموزش فنون برقراری ارتباط، مهارت نه گفتن، مهارت تقویت اعتماد به نفس فرزندان، مهارت حل مسأله و مهارت گوش دادن و دیگر فنون بود. بیشتر تعارض‌هایی که در خانواده بین نوجوان و والدین به وجود می‌آید، ناشی از مهارت‌های ناکافی در امر مذاکره و گفت‌وگو بین اعضای خانواده، به توافق نرسیدن در مورد قواعد و مسؤولیت‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های ضعیف در حل مسأله، مهارت‌های ارتباطی ضعیف، دریافت‌های شناختی تحریف‌شده، ضعف در توانایی درک دیگران، مهارت ناکافی در مدیریت خشم ناشی از تغییرات دوران بلوغ، ضعف در مهارت‌های تصمیم‌گیری و جرأت‌ورزی است. دختران نوجوان به دلیل تجربه پدیده بلوغ، تغییرات هورمونی زیادی را پشت سر می‌گذارند که در طول این دوره، بر رفتار آنها با والدین و انتخاب دوستان مناسب برای بیان سختی‌های بلوغ تأثیر منفی بسیاری می‌گذارد. از طرفی آشنا نبودن والدین در مورد برخورد مناسب با این تغییرات، برقراری ارتباط نسنجیده با فرزندان و همچنین به روز نبودن علم والدین در خصوص تربیت فرزندان و حل مشکلات آنان، زمینه به وجود آمدن تعارض در خواسته‌های والد - فرزند را فراهم می‌آورد. همچنین در این دوره احتمال سوق پیدا کردن نوجوان به سوء مصرف مواد بیش از پیش وجود دارد (فرهات، لوک، لونوتی و مورتون، ۲۰۱۰). بنابراین آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط سازنده و صحیح به والدین برای نزدیکی با فرزند و همچنین آموزش این شیوه‌ها به فرزندان برای گذر مناسب و بهینه از این مرحله و داشتن رابطه مؤثر و مستمر با والدین (به‌ویژه دختر با مادر) به حل

تعارضات والد - فرزندی در کوتاهترین زمان کمک خواهد کرد. لذا نتایج حاصل از این پژوهش بر این دیدگاهها صحه گذاشته است. بخشی از جلسات مربوط به آموزش مهارت‌های برقراری ارتباط مهارت حل مسأله و مهارت گوش دادن بود. از آنجا که وجود تعارض در هر رابطه و به‌خصوص در رابطه والد - فرزند اجتناب‌ناپذیر است، لذا به نظر می‌رسد در این راستا راهبردهایی از قبیل مثبت‌اندیشی در برقراری رابطه، انعطاف‌پذیری، پرهیز از مقایسه، مورد بحث قرار دادن مسائل و مشکلات، صداقت در بیان تقاضا به طرف مقابل، احترام متقابل و قبول اشتباههای خویش توانسته است در کاهش تعارضات موجود مؤثر باشد.

علاوه بر اطلاعات حاصل از تحلیل کواریانس و میانگین و انحراف معیار که نتایج آن ارائه گردید، اطلاعات دیگری از طریق پرسشنامه‌ای دیگر در خصوص آزمودنی‌های مورد نظر به دست آمده که به‌منظور آگاهی بیشتر اعلام می‌گردد.

حدود ۷۰ درصد والدینی که در این پژوهش شرکت داشتند یا بی‌سواد بودند، یا تحصیلات ابتدایی داشتند. و بقیه آنها دارای تحصیلاتی در حد راهنمایی و دیپلم بوده‌اند. همچنین فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل پدر نشان می‌دهد که اغلب پدران آنها یا بیکار بوده، یا کارگر ساده، و تعداد معدودی از آنان کارمند و بازنشسته بوده‌اند (۱۲ درصد). که با نتایج مقاله رضانی و بشری متفاوت است. بیشترین درصد مربوط به وضعیت اقتصادی متوسط با ۵۲ درصد و کمترین درصد وضعیت اقتصادی مربوط به خیلی خوب با ۶ درصد بوده‌اند. همچنین نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد نزدیک به نیمی از دانش‌آموزان دارای تعارض شدید با والدین خود، در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که تعداد آنها ۵ نفر و بیشتر از ۵ نفر هستند. در خصوص سن پدر، بیشترین درصد مربوط به گروه سنی ۴۵-۴۱ سال با ۳۱ درصد، و کمترین درصد مربوط به گروه سنی ۶۰-۵۶ سال، با ۴ درصد بوده است. همچنین در گروه سنی مادر بیشترین درصد مربوط به گروه سنی ۴۵-۴۱ سال با ۲۷ درصد و کمترین درصد مربوط به گروه سنی ۶۰-۵۶ سال با ۲ درصد است.

پیشنهاد‌های پژوهش

یکی از مسائل اساسی که باید در مورد علت تأثیر آموزش مورد نظر بر میزان کاهش تعارضات والد - فرزندی بیان کرد این است که معمولاً کودکانی که گرفتار تعارض با والدین می‌شوند، از خانواده‌هایی هستند که دارای والدین آزارگری

تعارضات والد - فرزند در بین دانش‌آموزان دختر سال اول دوره دبیرستان شهرستان بهبهان. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال پنجم، شماره دوم، صص ۴۷-۳۱. فرهادیان، ر. (۱۳۷۷). نقش ارتباط در اولین جایگاه تربیت. مجله پیوند، شماره ۲۲۴، ص ۴۰. گودرزی، س. (۱۳۹۳). تعارضات والدین با فرزندان. بازبایی شده در شهریورماه ۱۳۹۳.

گیتی‌پسند، ز، آریسن، خ، و کرمی، ا. (۱۳۸۷). اثربخشی درمان راه‌حل‌مدار بر کاهش تعارضات والد - فرزندی در نوجوانان دختر. پژوهش‌های مشاوره، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۸۰-۶۳.

Bardi, M., Borgognini-Tarli, S.M. (2001). A survey on parent-child conflict resolution: interfamily violence in Italy. *Child Abuse & Neglect*, 25(6): 839-853.

Barron, C.R., & Yoest, P. (1994). Emotional Distress and coping with a stressful relationship in adolescent boys, *Journal of Pediatric Nursing*, 9 (1): 13-49.

Branje, S.J.T., van Doorn, M., van der Valk, I., & Meeus, W. (2009). Parent-adolescent conflicts, conflict resolution types, and adolescent adjustment. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 30: 195-204.

Buehler, C. (2006). Parents and peers in relation to early adolescent problem behavior. *Journal of Marriage and Family*, 68, 109-125.

Buijzen, M., & Valkenburg, P.M. (2003). The effects of television advertising on materialism, parent-child conflict, and unhappiness: A review of research. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 24(4): 437-456.

DeLay, L.D. (2011). Parent-Child Relationship. *Encyclopedia of Adolescence*, 4: 233-240.

Farhat, T., Luk, W.J., Lonnotti, R.J., & Morton, B.G. (2010). Parent-child communication and substance use among adolescents: do father and mother communication play a different role for sons and daughters? *Addictive behaviors*, 35: 426-431.

Olson, B. (1985). Parent- Adolescent communication and the circumplex Model, *Child Development*, 56: 438-447.

Oveisi, S., Eftekhare Ardabili, H., Dadds, M.R., Majdzadeh, R., Mohammadkhani, P., & et al. (2010). Primary prevention of parent-child conflict and abuse in Iranian mothers: A randomized-controlled trial. *Child Abuse & Neglect*, 34(3): 206-213.

Pizzorno, M.C., Benozzo, A., Fina, A., Sabato, S., & Scopesi, M. (2014). Parent-child career construction: A narrative study from a gender perspective. *Journal of Vocational Behavior*, 84(3): 420-430.

بوده که مهارت‌های ارتباطی مؤثر با فرزندان را ندارند. به‌ویژه با توجه به همانندسازی فرزندان دختر با ویژگی‌های مادر و تأثیر زیاد این ویژگی‌ها بر تصمیم‌های فرزندان دختر، لزوم آموزش به دختران و مادران آنها، برای داشتن رابطه سالم و به دور از تنش، لازم و ضروری به نظر می‌رسد (گیتی‌پسند، آریسن و کرمی، ۱۳۸۷). بنابراین آنچه در این پژوهش (تأثیر آموزش بر رفع تعارضات) به‌دست آمده است، با موارد یاد شده، همسو است. با توجه به فراوانی درگیری‌ها و تعارضات والدین و فرزندان و همچنین برای پیشگیری از اختلالات روانی در نوجوانان و جوانانی که هنوز توانایی مقابله با مشکلات و شکست‌های زندگی را ندارند، پیشنهاد می‌شود تا به آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح و آموزش‌های همسو با آن، نظیر آموزش مهارت‌های حل مسئله توجه بیشتری شود. ضمناً ایجاد کارگاه‌های آموزشی در این زمینه‌ها به‌منظور کاهش تعارضات پیشنهاد می‌گردد.

وزارت آموزش و پرورش باید به این واقعیت آگاه باشد که خیلی از مسائل و مشکلات دانش‌آموزان از قبیل افت تحصیلی، مردودی، اخراج از مدرسه، گاهی اخراج از مدرسه، سالیانه میلیاردها ریال برای نظام آموزشی هزینه دارد. لذا پیشنهاد می‌شود اگر مقدار کمی از این هزینه‌ها صرف آموزش والدین و دانش‌آموزان به‌منظور شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح کنند، کارایی و بازده آن بالا خواهد رفت، و حتی از خسارات و هزینه‌های مختلفی هم در نظام اجتماعی جلوگیری به عمل می‌آید. پیشنهاد می‌گردد در هر منطقه‌ای از آموزش و پرورش تعدادی متخصص برای آموزش این قبیل مهارت‌ها باشد (نه صرفاً عده‌ای مثل هم اکنون به‌عنوان مدرس آموزش خانواده، آن هم فقط در حد اسم و شعار) و از نظر مالی هم به آنها توجه ویژه شود.

پیشنهاد می‌گردد وزارت آموزش و پرورش، آموزش والدین و فرزندان آنها را در ساعات مخصوصی در هفته یا ماه اجباری کند و این قبیل آموزش‌ها را در نهاد آموزش و پرورش رواج دهد.

منابع

ابویی مهریزی، م.، طهماسیان، ک.، و خوش‌کنش، ا. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت‌های خودنظم‌دهی خشم و تعارضات والد - نوجوان در دختران دوره راهنمایی شهر تهران خانواده‌پژوهی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۳۹۳-۴۰۴. رضایی، ف.، و بشری، ف. (۱۳۹۲). تعارض بین والدین و فرزندان. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ششمین کنگره جهانی تعارض بین اولیا و فرزندان (۲۰۱۲).

زارع، ح. (۱۳۸۸). روان‌شناسی یادگیری، دانشگاه پیام نور، ص ۸. سلامی، م.، حسین‌پور، م.، و عطاری، ی. (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله به شیوه دزوریلاو و گلدفرید بر

- Prinz, R.J., Foster, S.L., Kent, R.N., & O'Leary, K.D. (1979). Multivariate assessment of conflict in distressed and no distressed mother-adolescent dyads. *Journal of Applied Behavior Analysis, 12*, 691-700.
- Rengasamy, M., Mansoor, B.M., Hilton, R., Porta, G., He, J., Emslie, G.J., & et al. (2013). The Bi-Directional Relationship between Parent-Child Conflict and Treatment Outcome in Treatment-Resistant Adolescent Depression. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry, 52*(40): 370-377.
- Robin, A.L., & Foster, S.L. (1989). *Negotiating parent-adolescent conflict: A behavioral family systems approach*. New York: Guilford.
- Steinberg, L. (1992). Impact of practices on adolescent Achievement Authoritative parenting, school involvement, and Encouragement to succeed, *Child Development, 63*: 1266-1281.
- Yao, G., & Smetana, J. (2003). Adolescent parent conflict in Hong Kong and Shenzhen: A comparison of youth in two cultural contexts. *International Journal of Behavioral Development, 27*(3): 201-211.

Archive of SID